



● مشکل تورم مواد اولیه

سعید صابر کلاته، برادر مهدی، درباره همکاری با دفتر توسعه و تسهیلگری محله می گوید: اعضای این دفتر، افرادی را در محله پیدا و به ما معرفی می کنند و هر کاری در چرخه تولید از دستشان برآید، انجام می دهند. مثل چرخ کاری، اتوکاری یا بسته بندی. در حال حاضر کارگاهی متشکل از چند نفر برای بسته بندی به ما معرفی کرده اند و این قسمت از کار را به عهده آن ها گذاشته ایم. کارگاهی هم در محله بود که تا همین چند وقت پیش به واسطه دفتر تسهیلگری، با آن همکاری می کردیم اما با تورم و افزایش قیمت مواد اولیه از سویی و رکود بازار از سوی دیگر، توان مالی ما مانند گذشته نیست و شاید دستمزد مد نظر خیلی از این کارگاه ها تأمین نشود، به همین دلیل فعلاً با آن کارگاه همکاری نمی کنیم. در حال حاضر تورم قیمت مواد اولیه پیدامی کند و این مسئله توان مالی ما را بسیار کم کرده است. پیش تر، پارچه را با شرط پرداخت هزینه و مهلت دار می خریدیم، اما حالا باید مبلغ را نقد بپردازیم. قیمت نخ هم هر روز افزایش می یابد. حتی قیمت سوزن چرخ خیاطی در سال های اخیر چند برابر شده است. مشکل اصلی ما کمبود سرمایه است. پیش از این و با ثبات اقتصادی، دست ما خیلی باز بود، اما در حال حاضر هر روز از توان ما کاسته می شود. اتاقی در طبقه بالا قرار دارد که پیش از این انبار پارچه ما بود، اما حالا خالی و به انبار وسایل غیر ضروری تبدیل شده است.

● دریافت وام روی هواست

سعید هر آنچه در چنته داشته، به همراه مقداری پول که از دیگران جمع کرده، در بانک گذاشته است تا وام بگیرد و با آن بتواند مقداری مواد اولیه بخرد و به اصطلاح کمی پیش بیفتند، اما متأسفانه چند ماهی است که پرداخت وام ها تعلیق شده است. او در این باره می گوید: کار هر روزه من این شده است که به بانک زنگ بزنم و خبر بگیرم، ولی حالا صحبت این می شود که احتمال دارد تا پایان سال وام ها پرداخت نشود؛ در این شرایط، بسیاری از تولید کنندگان هادوام نمی آورند.

● بدون راه پس و پیش

نسترن اسلامی یکی از خیاط های با سابقه است که با این کارگاه همکاری می کند. او که خودش کارگاه خیاطی داشته است، در کش و قوس مسائل مالی ناچار شده کارگاهش را تعطیل کند، اما حالا پس از چند سال دوباره سراغ کار قبلی بازگشته است. ۳۴ سال دارد و از دوازده سالگی خیاطی را آغاز کرده است. نسترن می گوید: مشکلات مالی همیشه مسئله اصلی کار ما بوده است؛ چه زمانی که برای دیگران کاری می کردم و چه سال هایی که برای خودم کارگاه داشتم. اجرت هایی نهایت کم ارزش و اندک است. زمانی که کارگاه داشتم، در پایان ماه می دیدم هیچ سودی برای خودم نمانده است و همیشه بدهکارم. دست تولید کننده های عمده بسته است و از طرفی چون می خواهند خودشان سودش را بیاورند، دستمزد ما خیاط ها و کارگاه ها را ناچیز پرداخت می کنند. الان سراغ این کار برگشته ام چون شغل من این است و راه دیگری ندارم. پس از بیست و اندی سال خیاط بودن سراغ چه شغلی بروم و چه کاری را از اول شروع کنم؟ وارد هر شغلی که بشوم، باید از صفر شروع کنم.

● برقراری ارتباط میان کارگاه ها

پس از گفت و گویا تولید کنندگان سراغ کارشناسان دفتر توسعه و تسهیلگری محله سجادی و جلالیه می رویم. علی اخلاقی، کارشناس اقتصادی این دفتر، با اشاره به رسالت دفتر در موضوع کارآفرینی و اشتغال می گوید: یکی از اتفاقات خوب که در مدت فعالیت دفتر محله سجادی رخ داد، شناسایی ظرفیت های کارگاهی و تولیدی محله بود. کارگاهی نزدیک دفتر قرار دارد و هر گفت و گو مشخص شد این مجموعه به نیروی همکار نیاز دارد تا در زمینه تولید و بسته بندی مشارکت کنند. در ابتدای فعالیت دفتر تسهیلگری محله در فضای مجازی کانالی تأسیس کردیم و در این کانال فراخوان دعوت به کار در حوزه بسته بندی منتشر شد. از طریق همین کانال و فراخوان بود که با خانم اسماء لشکری آشنا شدیم. نقش دفتر شناسایی و معرفی افراد مستعد و نیازمند به نهادها و سازمان های مرتبط مانند سازمان فنی و حرفه ای، کمیته امداد امام خمینی^(ع) و اداره بهزیستی است.

● لزوم حمایت از تولید کنندگان محلی

اخلاقی در ادامه با اشاره به رونق نداشتن کارگاه خیاطی محله می گوید: کارگاه خیاطی آقای صابر کلاته در حال حاضر فقط باسی درصورت توان مشغول به کار است که دلیل آن مشکلات مالی است. مجموعه ای که در گذشته برای حدود ۱۵۰ نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم اشتغال زایی کرده بود، حالا بایک سوم توان فعالیت می کند. برای امنیت فعالیت اقتصادی این مجموعه ها، باید حمایت و تأمین مالی مناسبی صورت بگیرد. دفتر ما نیز در همین راستا اقدام کرده اما متأسفانه پرداخت وام تا تاریخ نامعلومی از سوی بانک ها به تعویق افتاده است.

● جای خالی بازار برای تولید کنندگان خانگی

زهره دادخواه، کارشناس اجتماعی دفتر توسعه و تسهیلگری محله سجادی و جلالیه، می گوید: علاوه بر کارگاه خیاطی مذکور با چند مجموعه دیگر هم صحبت و رایزنی کردیم. کارگاه هایی اعلام آمادگی کردند که نیروهایی را از محله به کارگیری کنند و از این طریق به خانواده های کم درآمد محله کمک کنیم. در قدم بعدی قصد داریم افرادی را برای دریافت وام مشاغل خانگی معرفی کنیم تا در منزل خودشان با تهیه تجهیزات به درآمد پایدار برسند. عده ای هم پیش از این برای این وام معرفی شده اند اما متأسفانه فعلاً سیستم بانکی پرداخت وام را به تعویق انداخته است. معمولاً این وام ها کم بهره و با بازپرداخت طولانی است. بعد از تحقیق و بررسی درباره محله سجادی، متوجه شدیم بسیاری از بانوان در منزل به تولید صنایع دستی و تولیدات خانگی می پردازند، اما بازار فروشی متناسب با محصولاتشان ندارند. خواسته هم محلی ها راه اندازی بازارچه یا روزبازاری است که بتوانند اجناس تولیدی شان را در آن عرضه کنند. در حال حاضر کمبود سرمایه و نداشتن مکانی مناسب برای عرضه محصولات، دغدغه اصلی تولید کنندگان خرد محله است.

● درآمد ناچیز بسته بندی

حدود دو ماه پیش، اسماء، آگهی کانال دفتر توسعه محله را دید و پس از تماس اعلام کرد که آمادگی دارد بسته بندی لباس را به همراه جمعی از بانوان در منزلش انجام دهد. حالا و پس از گذشت این مدت، تجربه خوبی کنار هم داشته اند اما درآمدها رضای نیستند. او می گوید: بعد از این مدت که کار کردیم، دریافت ناچیزی داشتیم. حتی نمی توان به آن به چشم کمک خرج زندگی نگاه کرد. باید پرداخت ها افزایش پیدا کند و از طرفی سفارش ها بیشتر شود تا دستمزد کارمان معقول باشد. اخلاقی اما توضیحی درباره این موضوع می گوید: چون تعداد سفارش کم است، درآمد بانوان هم شایان توجه نیست. در حال حاضر خانم ها تقریباً یک هفته در ماه، سفارش بسته بندی دارند و بقیه روزها اصلاً سفارشی ندارند. اگر کارگاه های خیاطی سرمایه کافی داشته باشند و بتوانند بیشتر تولید کنند، همه نفع می برند و متناسب با کار بیشتر، درآمدشان هم افزایش می یابد.

● مصائب کار مهاجر

سراغ چند تن از بانوان مشغول به کار می روم. خانم های اینجا اکثر اسرپرست خانوار هستند. هر شش بانویی که در این کارگاه مشغول اند، گرفتاری مالی دارند. فرحناز رحیمی همراه دو دختر و عروسش در این کارگاه کار می کند. ۵۲ سال دارد و به چندین زبان مسلط است؛ از انگلیسی تا اردو، پشتو و دری. خانواده او از افغانستان به اینجا مهاجرت کرده اند. همسرش کم توان شده است و حالا فرحناز می خواهد یار دیگر او باشد. البته پیش از این هم در کارگاه های دیگری مانند اتوکاری، نخ زنی، نگین کاری و چاپ روی لباس مشغول به کار بوده است. مهناز و شهناز رحیمی هم دو خواهر و جوان هستند. مهناز کارشناسی مامایی از افغانستان دارد اما اینجا نمی تواند به صورت قانونی شغل تخصصی اش را دنبال کند؛ به همین دلیل در این کارگاه مشغول کار شده است. نگین رحیمی عروس فرحناز است. او باردار است و در این شرایط کاری کند. او هم مامایی خوانده و علاوه بر این زمانی هم در رشته اقتصاد تحصیل کرده است. با تسلط گروه های تندرو بر افغانستان، نگین مجبور به مهاجرت شده و نزد خانواده همسرش آمده است.

● درآمد حداقلی بانوی سرپرست

زبیده مستان، سالمند و سرپرست خانوار است. او سال هادر زمین کشاورزی کار کرده است؛ چون کارگاه نزدیک منزلش است، با درآمد کم آن ساخته و برای کار به اینجا می آید. او درباره محیط کارشان می گوید: اینجا منزل اسماء خانم و پسران لباس های بسته بندی شده است. خدا خیرش بدهد که این محیط را فراهم کرده است. همسرش فوت کرده است و شش فرزند دارد. هر طور شده باید خرجمان را فراهم کنیم.

● کارگاه خانگی خانم ها

همراه علی اخلاقی، کارشناس اقتصادی دفتر توسعه محله، به کارگاه بسته بندی در خیابان چمن ۵۷ می رویم. منزلی که طبقه بالای آن هم محل زندگی است و هم کارگاه کوچکی که آنجا خانم ها مشغول بسته بندی لباس های آماده هستند. اسماء لشکری بانویی مهربان است که فضای خانه اش را به فعالیت بانوان همسایه اختصاص داده است. پیش از این ساکن محله جلالیه بوده و حالا پنج سالی است که به محله کارمندان اول آمده است. او بانوان سرپرست خانوار یا آن هایی را که می خواهند کمک خرج خانواده شان باشند، در محله می شناسد. درباره سابقه همکاری با دیگر بانوان می گوید: با بانوان هم محلی در چندین کارگاه کار کردیم؛ حتی مقطعی کارگاه های خانگی صنایع دستی مثل منجوق دوزی، هویه کاری یا بسته بندی داشتیم. در همین کارگاه ها بود که با این دوستان آشنا شدم. الان خانم های اینجا دو تا ایشان خیاط هستند و دیگری سال ها اتوکاری کرده است. این کارها را جی ندارد و دستمزدش ناچیز است. همه این ها به کنار، به دست آوردن همان درآمد کم هم گاهی پیچیده می شد؛ مثلاً محیط برخی کارگاه ها خیلی مردانه بود و گاهی خانم ها معذب می شدند. به همین دلیل تصمیم گرفتیم خانه را به کارگاهی برای بانوان تبدیل کنیم. کارگاه بسته بندی به سرمایه خاصی نیاز ندارد.